

## امنیت انسانی زیر ساخت سلامت اجتماعی

دکتر محمدزاهدی اصل

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه:

و خداوند شهری را مثل زند که (مردم آن) امن و آسوده به سر می‌برند و روزی آن از هرسو به خوشی و فراوانی می‌رسید. آنگاه به نعمتهای الهی کفران ورزیدند و سپس خداوند به کيفر کار و کردارشان بلای فراگیر گرسنگی و ناامنی را به آنان چشانید ۱

مقوله «امنیت ۲» و «امنیت انسانی ۳» از ابتدای خلقت انسان به عنوان یک ضرورت در بقاء مطرح بوده است و گذشت زمان بر اهمیت آن افزوده است به گونه‌ای که امروزه در جای‌جای گزارشات نهادها و سازمانهای بین‌المللی نمود پیدا کرده و به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی «توسعه ۴» معرفی می‌شود چنانچه در آیه فوق به صراحت، فراوانی روزی عاملی برای امنیت و برعکس، فقر و گرسنگی و کفران نعمت به اشکال مختلف (از جمله عدم استفاده درست از مواهب خدادادی) عاملی برای سلب امنیت معرفی شده است و این، به روشنی اهمیت موضوع را روشن می‌سازد. به جرأت می‌توان مدعی شد که امنیت انسانی، جوهره و بستر اصلی «سلامت اجتماعی» ۵ است و اگر سلامت اجتماعی را در غایت برنامه‌های رفاهی خود، رضامندی از زندگی در نظر بگیریم، قطعاً بدون تحقق امنیت در ابعاد مختلف، چنین هدفی میسر نخواهد شد. به قول یکی از مفسرین قانون اساسی، لزوم و ضرورت امنیت از طبیعت بشر ناشی می‌شود و برای تحقق آن، وجود عوامل متعددی لازم است که تعمیم عدالت، نفی هر گونه تبعیض، مبارزه با عوامل و زمینه‌های تعرض اجتماعی از آن جمله می‌باشد (عمید زنجانی - مبانی فقهی، ص ۲۲۶) و به موجب گزارش «برنامه توسعه ملل متحد» ۶ (امروزه اکثر مردم جهان بیشتر از ناحیه نگرانیهای مرتبط با زندگی روزمره احساس ناامنی می‌کنند تا ترس از وقوع یک حادثه فاجعه آمیز امنیت شغلی، امنیت درآمد، امنیت از بابت سلامت، امنیت زیست محیطی، ایمنی از جرائم و جنایات نگرانی‌هایی هستند که در ارتباط با امنیت انسانی در سراسر جهان به ظهور می‌رسد). سازمان برنامه و بودجه - ۱۹۹۴ ص ۸

گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد در ۱۹۹۸ مقوله نابرابریهای فاحش در رابطه با فرصتهای مصرف را به عنوان یک عامل تهدید کننده سلامت اجتماعی و امنیت جهانی معرفی می‌کند. به گونه‌ای که به صراحت اعلام می‌دارد به جهت گسترش بی‌رویه مصرف، بیش از یک میلیارد از مردم جهان از برآوردن نیازهای اساسی خود بازمانده‌اند). سازمان برنامه و بودجه - ۱۹۹۸ - ص ۵ (و این چیزی جز تخریب سلامت اجتماعی و تهدید امنیت انسانی نیست. در بخش قابل توجهی از دنیای امروز، نیازهای اساسی و حیاتی انسانها تامین نشده باقی می‌ماند و این فقر مطلق زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌هایی می‌شود که مخرب سلامت و امنیت انسانی است بنابراین استفاده بهینه از منابع طبیعی و اقتصادی و رعایت اعتدال در مصرف از یکسو و مقابله

و مبارزه همه جانبه با فقر اقتصادی و فقر فرهنگی در ابعاد و اشکال مختلف می‌تواند ضامن سلامت جامعه و تامین کننده امنیت انسانی باشد. در این مقاله علی‌رغم محدودیت منابع سعی شده است مقوله امنیت انسانی به عنوان مبنا و زیر ساخت سلامت اجتماعی به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

طرح موضوع (بیان مسأله):

است که موفقیت در آن، آزادی از احتیاج را به ارمغان

می‌آورد و صلح پایدار در سایه چنین موفقیتی میسر است

باید توجه داشت که عوامل تهدید کننده امنیت ممکن است از

نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر متفاوت باشد گرسنگی و بیماری

در میان ملت‌های فقیر، مواد مخدر و بزهکاری در میان

ملت‌های ثروتمند مخرب سلامت اجتماعی هستند در حالیکه

ملت‌های فقیر از عدم تامین نیازهای اساسی و حداقل

معیشت خود احساس ناامنی می‌کنند، ملت‌های ثروتمند از

تخریب محیط زیست در سایه گسترش آسیب‌های اجتماعی

و مصرف بی‌رویه منابع، امنیت خویش را در معرض تهدید

می‌بینند. برنامه توسعه سازمان ملل از سال ۱۹۹۲ میلادی

بحث «توسعه انسانی» را مورد توجه قرار داده است و

گزارشات سالانه خود را به ابعاد مختلف این موضوع

اختصاص داده است بطوریکه در گزارش مربوط به

سال ۱۹۹۴، امنیت انسانی و در گزارش مربوط به سال

۱۹۹۸ چگونگی مصرف کالا و خدمات و تاثیر آن در مقوله

۱- آیه ۱۱۲، سوره نحل

2- Security

3- Human Security

4- Development

5- Social Health

6- U. N. D. P<sup>۱</sup>

از امام صادق (ع) نقل شده است که در اعصار گذشته

جمعی می‌زیسته‌اند که خداوند به آنها نعمت فراوان داد اما

ناشکری کردند و خداوند نیز برکات خود را از آنها گرفت و

به قحطی و ناامنی گرفتارشان ساخت (تفسیر نور الثقلین،

جلد سه، ص ۹۱)

<امنیت> را می‌توان یکی از نعمتهای الهی تلقی کرد که در

سایه آن انسانها به آرامش و آسایش دست می‌یابند و در

فقدان آن ترس و اضطراب بر بشریت مستولی می‌شود.

پاسداری از امنیت به عنوان یکی از سی مورد مبانی تفکر

سیاسی قرآن، نظم متکی بر عدالت را هدف می‌گیرد و ظلم،

تجاوز به حقوق دیگران و فساد را از ریشه‌های ناامنی

می‌شمارد. (عبادی، شیرین - ۱۳۷۳ - ص ۲۳۴)

مادام که مردم در زندگی روزانه خود امنیت نداشته باشند

جهان هرگز نمی‌تواند به صلح دست یابد و عوامل تهدید

کننده امنیت نه تنها عوامل شخصی، محلی یا ملی بلکه

مسائلی نظیر تروریسم، آلودگی محیط زیست، مسابقات

تسلیحاتی قدرتهای جهانی، گسترش انواع مفاسد اجتماعی،

اسراف و تبذیر در ابعاد مختلف است.

از منظر بسیاری از علمای اجتماعی جهان دعوی صلح باید

در دو جبهه پی‌گیری شود. اولی جبهه اقتصادی و اجتماعی

امنیت انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. در این گزارش تصریح شده است که مصرف بی‌رویه منابع و تخریب محیط زیست بصورت فزاینده‌ای رو به افزایش است.

بطوریکه به عقیده مدیر برنامه توسعه ملل متحد، فراوانی مصرف چرم نیست اما این شرم‌آور است که فقرا نمی‌توانند حتی در حد پاسخ به اساسی‌ترین نیازهای خود مصرف کنند.

ذکر نمونه‌ای از این وضعیت تأسف‌بار مفید بنظر می‌رسد. در حال حاضر یک پنجم مردم دنیا که ثروتمندترین هستند ۴۵ درصد گوشت و ۵۸ درصد کل انرژی جهان را مصرف می‌کنند (سازمان برنامه و بودجه - ۱۹۹۸ - ص ۷)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به اشکال مختلف نسبت به پدیده امنیت‌انسانی توجه شده است چنانچه در اصل دوم از این قانون، جمهوری اسلامی

نظامی بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او معرفی شده است و

دولت اسلامی برای تحقق این هدف اساسی ملزم به اجرای وظایف سنگین و خطیری در قالب‌بندهای شانزده‌گانه اصل سوم شده است. غور در متن این اصل به روشنی نشان

می‌دهد که سلامت اجتماعی در گرو ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی و مبارزه با مظاهر فساد و تباهی براساس ارتقاء کیفیت زیست افراد و ایجاد رفاه و رفع هر نوع فقر و محرومیت اقتصادی و فرهنگی می‌باشد چنانچه

ملاحظه می‌شود نه تنها از لحاظ نظام خلقت، بلکه از منظر حقوق ملی و بین‌المللی نیز توجه به امنیت انسانی، یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر در هر جامعه است و بدون تحقق این مهم، توسعه عینیت نخواهد یافت. به همین دلیل رابطه متقابلی بین «توسعه» و «امنیت انسانی» وجود دارد به گونه‌ای که از یکسو «امنیت انسانی» یکی از شاخص‌ها اصلی و مهم «توسعه» و «توسعه یافتگی» تلقی می‌شود و از سوی دیگر توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌تواند امنیت انسانی را تضمین کند. چنانچه هدف از توسعه ارتقاء سطح زندگی و کیفیت زیست آحاد جامعه در سایه ایجاد محیطی معرفی شده است که همه مردم بتوانند توانائیهای خود را گسترش دهند و این توانایی‌ها را به بهترین وجه ممکن در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بکارگیرند. توسعه‌ای که تقسیم عادلانه فرصت‌ها و تضمین آزادیهای مشروع در پی داشته باشد و حاصل چنین وضعیتی، «سلامت اجتماعی» و رفاه و امنیت عمومی خواهد بود. بنابراین می‌توان مدعی شد که «سلامت اجتماعی» در سایه تحقق ابعاد مختلف امنیت انسانی ممکن است و این امنیت از طریق استقرار عدالت اجتماعی میسر می‌شود.

مفهوم امنیت و امنیت انسانی:

امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و منظور از امنیت انسان، وضعیت و شرایطی است که مردم، هراسی نسبت به حقوق و آزادیهای مشروع و

قانونی خود نداشته باشند امنیت در حقوق اسلامی شامل جان، مال، عمل، آزادی، حقوق، شخصیت، شرف و حیثیت انسان می‌شود (عمید زنجانی، مبانی فقهی قانون اساسی - ص ۲۲۵) در گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد، امنیت انسانی به معنای ایمنی از خطر دائمی‌گرسنگی، بیماری، بزهکاری، سرکوب و اختناق معرفی شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۹۹۴، ص ۵) امنیت انسانی به معنای حمایت از مردم در برابر اختلال‌های ناگهانی و زیان‌آفرین روزانه زندگی در خانه، محل کار و سطح جامعه و محیط زیست می‌باشد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، امنیت در ابعاد مختلف را به عنوان یک حق انسانی مطرح کرده و برنامه توسعه ملل متحد، منشور اجتماعی جهانی برای سال ۱۹۹۵ را در قالب پیشنهاد در زمینه‌های مختلف ارائه می‌کند که در یکی از مفاد آن چنین آمده است: «ما مردم جهان به هیأت اجتماعی متعهد می‌شویم که برای امنیت انسانی، بنیان‌های جدیدی بسازیم که امنیت مردم را نه با استفاده از اسلحه، بلکه از رهگذر توسعه و همکاری و صلح تامین نماید. ما به منظور این باوریم که مادام که مردم در خانه، محل کار، جامعه و محیط زیست خود امنیت نداشته باشند هیچکدام از اصول منشور ملل متحد قادر به تامین امنیت جهان نخواهد بود (سازمان برنامه و بودجه - ۱۹۹۴ - ص ۹).

از منظر علمای اسلام، «ایمان» از ریشه «امن» است که در واقع نوعی سازگاری روحی- روانی و ذهنی با کلیت هستی

است. در یک بررسی اجمالی از ۶۲۳۶ آیه قرآن کریم در ۸۵۱ آیه، ماده ایمنی و امنیت مطرح شده است و در بحث از امنیت، پاره‌ای از مشخصه‌های توسعه نظیر وفور نعمت، پیشرفت دانش، آسایش و رفاه معرفی شده است و در آیه ۲۰۵ از سوره بقره، رفاه و امنیت یکی از مصادیق نعمت الهی شمرده شده و در خطبه ۲۲۲ نهج البلاغه نیز، عزت و امنیت، پاداش از سوی خداوند به انسان‌های صالح معرفی شده است.

در یک بیان جامع و کلان، معنای «امنیت انسانی» ایمنی از خطر گرسنگی، بیماری، بزهکاری، سرکوب و اختناق، اختلال‌های ناگهانی و زیان‌آفرین جریان زندگی در محیط زیست (اعم از خانه، کار، جامعه) است.

برخی از متفکرین نظیر «فوکویاما» ۸ (وجود آسیب‌های اجتماعی را نبود سرمایه اجتماعی» ۹ معرفی می‌کند سرمایه‌ای که در سایه مشارکت افراد در زندگی اجتماعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان محقق می‌شود چنانچه طبق گزارش «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» ۱۰ در سال ۲۰۰۱ میلادی، بهبود سلامت، خشنودی بیشتر از زندگی، مراقبت بهتر از کودکان، کاهش جرائم و برخورداری از حکومت بهتر از مصادیق آن شمرده می‌شود. (شریفیان‌ثانی، مریم - ۱۳۸۰ - ص ۲)

## 7- Human Development

چنانچه ملاحظه می‌شود سرمایه اجتماعی، ثمر و نتیجه سلامت اجتماعی و سلامت اجتماعی نیز در سایه امنیت انسانی محقق می‌شود.

جایگاه حقوقی امنیت انسانی:

جامعه نمونه و سالم از نظر اسلام، جامعه‌ایست که در آن امنیت حاکمیت دارد. مردم در آسایش و رفاه زندگی می‌کنند و دارای روزی فراوانند. قرآن کریم امنیت را یک از اهداف استقرار حکومت اسلامی می‌شمارد ۱۱ و انسان را از فتنه و فساد که از بین برنده امنیت است منع می‌کند ۱۲ و مجازات کسانی را که مخل صلح و امنیت جامعه هستند را متذکر می‌شود ۱۳ در تفسیر از آیه ۱۱۲ سوره نحل ارتباط بین امنیت و روزی فراوان از یکسو و گرسنگی و فقر و همچنین تضییع نعمتهای الهی به عنوان عامل مهم ناامنی مورد توجه قرار گرفته است ۱۴

تأمین امنیت در سایه و فور نعمتهای الهی، امیدواری به آینده در سایه امنیت و تحرک اقتصادی در سایه امیدواری به آینده، سه مقوله مهم مرتبط به هم هستند که می‌توانند آسایش و رفاه در جامعه را تأمین کنند و برعکس کفران نعمت به شکل‌های مختلف نظیر اسراف و تبذیر، قحشا و منکرات، موجب فقر و گرسنگی از یک طرف و ترس و اضطراب از طرف دیگر می‌شود که نتیجه نهائی آن از بین رفتن امنیت خواهد بود. جالب توجه است گفته شود که مولای متقیان در حکم تاریخی خویش به مالک اشر، یکی از آفتهای حکومت را بی‌توجهی به طبقه محروم جامعه و

پایمال کردن حقوق آنها معرفی می‌کند و تداوم این شرایط، موجب سلب اعتماد ملت از دولت می‌شود که حاصل چنین وضعیتی از بین رفتن امنیت در جامعه خواهد بود. ۱۵

بقول مرحوم محمد باقر صدر دولت اسلامی نسبت به تأمین اجتماعی دارای مسئولیت سنگینی است که بعدی از این مسئولیت، تشویق دیگران به انفاق و امداد است و بعد دیگری از این مسئولیت سرمایه‌گذاری مستقیم در امور اجتماعی و اهتمام برای استقرار عدالت اجتماعی و تأمین زندگی مکفی و متناسب برای آحاد جامعه است (زاهدی اصل، محمد - ۱۳۷۱ - ص ۱۶) و در سایه چنین نظامی است که امنیت در ابعاد مختلف حاصل می‌شود و سلامت جامعه محقق می‌گردد. بر همین اساس، ششمین پایه اعتقادی نظام در اصل دوم قانونی اساسی، اصل کرامت و ارزش والای انسانی و شایستگی تقرب او به کمال است و این، جز در سایه امنیت امکان‌پذیر نیست و دولت اسلامی موظف به تأمین چنین امنیتی است.

توجه به بعضی از بندهای اصل سوم قانون اساسی و آسایش و رفاه در جامعه را تأمین کنند و برعکس کفران نعمت به شکل‌های مختلف نظیر اسراف و تبذیر، قحشا و منکرات، موجب فقر و گرسنگی از یک طرف و ترس و اضطراب از طرف دیگر می‌شود که نتیجه نهائی آن از بین رفتن امنیت خواهد بود. جالب توجه است گفته شود که مولای متقیان در حکم تاریخی خویش به مالک اشر، یکی از آفتهای حکومت را بی‌توجهی به طبقه محروم جامعه و

امنیت انسانی را معرفی می‌کند. پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، تعمیم بیمه.

عسرت هر جا ریشه کند رفاه و امنیت عمومی به خطر خواهد افتاد و لذا دولتهای عضو می‌بایست با ایجاد اشتغال کامل، سطح زندگی را ارتقاء دهند و واسعی زاده، سید مرتضی - ۱۳۷۷ - ص ۱۴)

منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی زمینه ساز تحولات جهانی در ابعاد مختلف رفاه اجتماعی از جمله امنیت انسانی و اجتماعی شد و اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی برخورداری از تامین اجتماعی، اشتغال، سطح زندگی کافی برای حفظ سلامت شخصی، خانوادگی و اجتماعی را به عنوان یک حق مطرح کرد و در موارد سه، دوازده، بیست و دو از این اعلامیه بصورت مستقیم و در سایر موارد بصورت غیر مستقیم مقوله امنیت مورد توجه قرار گرفته است. ۱۷.

قطعه نامه ۲۱-دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص رهائی کودکان ۱۴ کشور درگیر در جنگ از چنگال فقر و بیماری و قطعه نامه ۲۹ نوامبر ۱۹۵۹ سازمان ملل در راستای نیازمندیهای اساسی کودکان ملل متحد از مصادیق دیگر در خصوص موضوع می‌باشد.

به موجب گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سالهای ۱۹۹۴ میلادی و سالهای بعد از آن، معنی امنیت، ایمنی از خطر دایمی گرسنگی، بیماری، بزهکاری، سرکوب و اختناق و حمایت از مردم در برابر مسائل و حوادثی است که جریان زندگی روزانه آنها را در محل زندگی، اشتغال و

-رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه‌ها.

-ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی و مبارزه با مظاهر فساد و تباهی

-تامین حقوق همه جانبه افراد و ایجاد امنیت قضائی برای همه و تساوی عموم در برابر قانون

-توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی

-ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای اساسی و تامین شرایط و امکانات اشتغال

-منع اسراف و تبذیر

-تسهیل تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن و تحکیم بنیان این نهاد مهم اجتماعی

-تامین اجتماعی در دوره پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، معلولیت، سوانح و حوادث طبیعی و غیر طبیعی.

تعمق در هر یک از موارد فوق به وضوح نشان از این مهم دارد که چگونه بی توجهی و عدم سیاستگزاری اصولی در این زمینه‌ها می‌تواند امنیت انسانی را با مخاطرات جدی مواجه سازد و آسایش و آرامش را از جامعه سلب کند.

<امنیت انسانی> در حقوق بین المللی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود. در بیشتر و ششمین اجلاس عمومی <سازمان بین المللی کار> ۱۶ در سال ۱۹۴۴ در فیلادلفیا اعلام شد که فقر و

سطح جامعه تهدید می‌کند و برای تحقق امنیت انسانی وجود عوامل زیر لازم است:

- اجرا و تعمیم عدالت و قانون و نقی هرگونه تبعیض  
- مبارزه با عوامل تجاوزگر به حقوق مردم  
- آشنائی عامه مردم با حقوق فردی و اجتماعی.

- ضمانت اجرائی نیرومند معنوی (ایمان و اخلاق)

- ضمانت اجرائی قضائی برای کیفر متجاوزین به حقوق مردم

در سایه عینیت یافتن عوامل فوق، سلامت اجتماعی محقق می‌شود و استمرار می‌یابد چنانچه به صراحت گفته می‌شود، مادام که مردم در خانه، محل کار، جامعه و محیط زیست خود امنیت نداشته باشند هیچکدام از اصول منشور ملل متحد قادر به تامین امنیت جهانی نخواهد بود. مؤلفه‌های امنیت انسانی:

در بحث از عواملی که زمینه ساز امنیت انسانی است در اغلب منابع مکتوب، عوامل تهدید کننده امنیت انسانی و اجتماعی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند و در این حوزه صاحب‌نظرات و علمای اجتماعی متناسب با دیدگاه خود تقسیم بندی‌هایی را مطرح می‌کنند و تبیین و تحلیل‌هایی را ارائه می‌دهند که ورود به این مباحث در این مجال نمی‌گنجد لذا به معرفی معدودی از مؤلفه‌هایی که امنیت انسانی را تخریب و تهدید می‌کند اکتفا می‌کنیم.

براساس گزارش برنامه توسعه سازمان ملل از ۴/۴ میلیارد انسانی که در کشورهای درحال توسعه زندگی می‌کنند،

سه پنجم آن‌ها از خدمات بهداشتی، یک سوم از آب آشامیدنی، یک چهارم از سر پناه مناسب یک پنجم از کودکان واجب‌التعلیم از رفتن به کلاس پنجم ابتدائی محرومند و معادل همین تعداد، دچار سوء تغذیه می‌باشند (سازمان برنامه و بودجه - ۱۹۹۸ - ص ۵)

چنانچه ملاحظه می‌کنیم پدیده فقر در ابعاد مختلف، بزرگترین خطر برای امنیت انسانی و اجتماعی است و به همین دلیل اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی در گزارشات سالهای پایانی قرن بیستم و نخستین سال قرن بیست و یکم، امید به زندگی بر حسب سالهای عمر (که در سایه سلامت جسم و روان امکان پذیر است)، آموزش بر حسب میانگین سالهای تحصیلی، درآمد بر حسب قدرت خرید معرفی شده است که دقت در این مؤلفه‌ها، به وضوح مشخص می‌سازد که فقر اقتصادی و فقر فرهنگی زمینه ساز تخریب اساسی توسعه انسانی و پدید آورنده مثلث شوم <فقر، جهل، فساد> می‌باشد در موضوع فقر فرهنگی، نه تنها بحث بیولوژی سواد، بلکه ابعاد دیگر فرهنگ نظیر موازین اخلاقی، انضباط اجتماعی (اعم از خانه، محل کار، مدرسه و محیط)، عرف و سنت‌های اجتماعی مطرح می‌شود که فقدان این عوامل، تخریب امنیت انسانی را در پی دارد. جرایم و انحرافات اجتماعی که ریشه در فقر فرهنگی و فقر اقتصادی دارند از مؤلفه‌های مهم تخریب امنیت به شمار می‌روند. اعتیاد، بزهکاری کودکان و نوجوانان، ولگردی و

خدمات پدیدار می‌شود و سپس با توجه به ناتوانی اقتصادی خانواده، مشکل عدم ارضاء بخش قابل توجهی از این نیاز، تعادل روانی (امنیت روانی) اعضاء خانواده بویژه نان آور خانواده بهم می‌ریزد و علاوه بر اجبار وی به مشاغل دوم و سوم، امکان برقراری روابط مهرآمیز با اعضاء خانواده را به حداقل میرساند و فرصت را برای اعمال مدیریت هوشمندانه از سوی پدر و مادر خانواده محدود می‌کند.

در سال ۱۹۹۸ میلادی، مصرف جهانی کالا و خدمات، معادل شش برابر نسبت به سال ۱۹۷۵ میلادی افزایش داشته است و این بدان معنی است که مردم جهان بیش از هر زمان دیگر، غذا، انرژی و خدمات مصرف می‌کنند و این در شرایطی است که ۸۶ درصد از هزینه‌های معطلوف به مصرف شخصی را تنها ۲۰ درصد از مردم جهان انجام می‌دهند (سازمان برنامه و بودجه - ۱۹۹۸ - ص ۵)

یعنی هر فرد مرفه در کشورهای توسعه یافته به اندازه چهار تا پنج برابر افراد متوسط و پائین در کشورهای در حال توسعه، مصارف مختلف دارند و در واقع منابع مختلف انرژی را تخریب می‌کنند که حاصل آن تخریب محیط زیست و تهدید امنیت انسانی است

مصرف کنندگان جامعه مدنی و دولت‌ها باید در جهت برقراری الگوهای جدید مصرف دست به دست هم دهند زیرا جهان نیازمند آن چنان الگوهای مصرفی است که تقسیم عادلانه منابع را در پی داشته و تامین کننده رفاه و

تکدی‌گری، فحشا و ... از انواع آسیبهای اجتماعی هستند که امنیت انسانی را تهدید و سلامت اجتماعی را به خطر می‌اندازد.

از آنجائیکه هدف از توسعه، بالا بردن کیفیت زیست انسان است و ارتقاء کیفیت زیست نیز در سایه تحقق عدالت اجتماعی میسر می‌شود، تقسیم عادلانه فرصتها، ایجاد محیطی که همه مردم بتوانند تواناییهای خود را گسترش دهند، تامین حقوق فردی و اجتماعی و آزادیهای مشروع، تامین نیازهای اولیه و اساسی اقشار مختلف جامعه از مصادیق مربوط به عدالت اجتماعی می‌باشد و عدم تامین این امور، امنیت روانی افراد را دچار اختلال می‌سازد و عدم امنیت روانی در افراد هر جامعه‌ای، بتدریج زمینه ساز تخریب امنیت انسانی و اجتماعی می‌شود.

مقوله مهمی که در گزارشات اخیر برنامه توسعه سازمان ملل مورد توجه جدی قرار گرفته است موضوع <مصرف> و الگوهای مربوط به آن است بطوریکه اصلی‌ترین بحث گزارش سال ۱۹۹۸ نهاد مذکور به این امر اختصاص یافته است. فرایند مصرف ابتدا با ایجاد نیاز به مصرف کالا و

#### ۹- Social Capital

10- O. E. C. D

11- مراجعه شود به تفسیر آیه ۵۵ سوره نور

12- مراجعه شود به تفسیر آیه ۱۵۶ سوره اعراف

13- مراجعه شود به تفسیر آیه ۲۳ سوره مائده

14- مراجعه شود به جلد یازدهم تفسیر نمونه از آیت

۱... ناصر مکارم شیرازی و همکاران - ص ۴۳۳-۴۳۵



سلامت اجتماعی باشد. الگوی مربوط به مصرف رامی‌توان بخشی از مجموعه الگوهای اجتماعی تلقی کرد و الگوهای اجتماعی نیز نموده‌هایی از رفتار انسانی هستند که از عوامل مختلف تاثیر می‌پذیرند. فرایند مصرف ابتدا با ایجاد نیاز به مصرف کالا و خدمات پدیدار می‌شود و در سایه تبلیغات گسترده بر دامنه نیازها (اعم از نیازهای واقعی یا کاذب) افزوده می‌شود و به تدریج انواع مصرف بجای < وسیله > تبدیل به < هدف > می‌شود که < مصرف گرائی > حاصل و نتیجه آن است که کل زندگی و < تلاش > برای تحقق آن جریان می‌یابد (رزاقی، ابراهیم - ۱۳۷۴ - ص ۱۳۰)

تداوم چنین وضعیتی نه تنها منافع ملی را تهدید می‌کند بلکه امنیت روانی - اجتماعی آحاد جامعه را نیز به خطر می‌اندازد و به قول یکی از متفکرین، اندک اندک ذهن انسان به مصرف‌گرایی خو گرفته و چنین انسان مصرف زده‌ای، داوطلبانه برای رفع نیازهای مصرفی خویش، همه زندگی خود را در سودای رفع نیاز پدید آمده از تبلیغات به فراموشی می‌سپارد. (اریک فروم - ۱۳۷۶ - ص ۲۲)

< سرمایه اجتماعی > مؤلفه دیگریست که اخیراً در مباحث برخی از متفکرین و علمای اجتماعی مطرح شده است و در واقع مجموعه‌ای از هنجارها و ارزشهایی را شامل می‌شود که همکاری بین گروه‌های اجتماعی را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند که همانا میزان مشارکت افراد در زندگی جمعی از یکسو و میزان اعتماد بین آنها از سوی دیگر معیار آن تلقی می‌شود. در سایه < سرمایه اجتماعی >

سلامت فردی و اجتماعی، خشنودی و رضامندی، سعادت و نیکبختی عاید جوامع انسانی می‌شود. سرمایه اجتماعی موجب کاهش مصرف مواد مخدر، خودکشی، خشونت خانگی، فقر و بیکاری و انواع آسیب‌های اجتماعی می‌شود. براساس نظر بانک جهانی، چهار جزء تشکیل دهنده ثروت ملتها، سرمایه طبیعی (منابع و ثروت‌های طبیعی)، سرمایه تولید شده توسط بشر، سرمایه انسانی (نیروی انسانی) و سرمایه اجتماعی از این دیدگاه، سرمایه اجتماعی، جزئی تفکیک‌ناپذیر از مجموعه ثروت یک ملت محسوب می‌شود که در چارچوب نظریه توسعه پایدار از اهداف اصلی تلقی می‌شود (شریفیان ثانی، مریم - ۱۳۸۰ - ص ۴)

< تامين اجتماعی > ۱۸ وسیله‌ای برای تحقق امنیت انسانی تلقی می‌شود چنانچه در سند برنامه سوم توسعه و با الهام از اصل ۲۹ قانون اساسی از نظام تامین اجتماعی چنین تعریف شده است نظامیست که جامعه و آحاد مردم را در برابر رویدادهای قابل انتظار و یا پیش نشده اجتماعی، اقتصادی و طبیعی نظیر بیکاری، از کار افتادگی، بازنشستگی، بی‌سرپرستی، فقر، کاهش یا قطع درآمد، سالمندی، فوت، ناتوانی‌های جسمی و ذهنی، آسیب‌های اجتماعی، سوانح طبیعی مثل سیل و زلزله و قحطی، حوادث غیر طبیعی، مثل جنگ (مورد حمایت قرار می‌دهد. این نظام متناسب با شرایط و وضعیت درآمدی اقشار مختلف جامعه، تکالیف قانونی دولت و مشارکت مردمی و با اتخاذ روش‌های مناسب شامل تعمیم بیمه‌های اجتماعی و درمانی،

برنامه‌های رفاهی تمام جوامع، اقداماتی برای تامین نیازها تعریف می‌شوند که البته باید به تمایلات و خواسته‌ها نیز توجه شود هر چند تمیز مطلق بین نیازها و تمایلات یا عنایت به انواع، ابعاد و دامنه نیازها کار ساده‌ای نیست (دیزید ماکارو، ۱۳۷۸، ص ۲۶).

بررسی آمار و ارقام مربوط به سرشماری سراسری نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که از مجموع قریب به ۸/۱۸ میلیون نفر جمعیت نیازمند به خدمات حمایتی، حدود سی درصد توسط سازمانها و نهادهای ذیربط حمایت شده‌اند و از مجموعه قریب به پنج میلیون جانیان و معلولین جسمی، روانی و ذهنی نیز حدود بیست درصد توسط مؤسسات مربوطه تحت حمایت قرار گرفته‌اند علاوه بر آن بررسی برنامه بیست ساله پژوهیستی در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۱ نیز حاکی از عدم تحقق بخش قابل توجهی از این پیش‌بینی‌ها می‌باشد. توضیح اینکه در طی این بیست سال پیش بینی شده بود که درصد جمعیت نیازمند به خدمات حمایتی نسبت به کل جمعیت از ۱۲/۲۰ درصد در سال ۱۳۶۱ به پنج درصد در سال ۱۳۸۱ تقلیل پیدا کند و پوشش حمایتی ۱۹ درصد سال ۱۳۶۱ به صد درصد اقتضای نیازمند در سال ۱۳۸۱ برسد. باید خاطر نشان ساخت که وضعیت مربوط به بخش بیمه‌های اجتماعی را هم از درمائی و نیازنیستی و مطلوبیتر از بخش حمایتی است. به همین جهت در این مطالعه به

گسترش خدمات پیشگیری، حمایتی، توانبخشی، امدادی و ساماندهی یارانه‌ها اجرامی‌شود (سازمان برنامه و بودجه - ۱۳۷۸ - ص ۹۸) به همین دلیل است که در گزارش مربوطه برنامه توسعه ملی متحد به صراحت مطرح می‌شود که مردم دنیای امروز بیشتر از ناحیه نگرانیهای مرتبط با زندگی روزمره احساس ناامنی می‌کنند و این از آن جهت است که عدم امنیت از جهت درآمد، سلامت، زیست محیطی و همچنین گرسنگی، بیکاری، بیماری، پیری و از کار افتادگی، بی سرپرستی و ... از عوامل اصلی تهدید کننده امنیت انسانی و سلامت اجتماعی هستند و نظام جامع تامین اجتماعی و عمل به مفاد اصل ۲۹ قانون اساسی می‌تواند تامین کننده امنیت در ابعاد مختلف باشد. فقدان اطلاعات کافی و به روز، فقدان نظام جامع و کارآمد، ناکارآمدی ساختار اجرایی، تداخل وظایف و مسئولیتها، پائین بودن کیفیت خدمات ارائه شده، عدم استفاده بهینه از نخبایر و منابع مالی و هدفمند نبودن یارانه‌ها از مشکلات و نارسائی‌های اصلی نظام تامین اجتماعی کشور است که می‌تواند امنیت انسانی و سلامت اجتماعی را دچار مخاطره کند. به همین جهت دولت باید خاطر نشان ساخت که در حوزه تامین اجتماعی، بیشتر نیازها ۱۹ مورد توجه قرار می‌گیرد ولی ابعاد کیفی تامین اجتماعی می‌بایست «تمایلات» ۲۰ و نیز مورد عنایت قرار دهد چنانچه «گودین» ۲۱ معتقد است که خدمات رفاهی بیشتر به «نیازها» می‌پردازد تا «خواستهها» و لذا روش

را از استقرار تزیینات نظام معرفی می‌کند و دولت را موظف می‌سازد تا با سرمایه‌گذاری و جلب مشارکت همه جانبه آحاد مردم نسبت به تحقق آنها سیاست‌گذاری متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه را داشته باشد. در سایه چنین رفتار و عملکردیست که رفاه و امنیت در ابعاد مختلف نصیب جامعه خواهد شد و توسعه پایدار معنی پیدا خواهد کرد. چنانچه در گزارشات مختلف سازمانهای بین‌المللی تیر مطرح شده است توسعه‌ای که نه تنها رشد اقتصادی را می‌سازد، مردم را از قدرت خرید قابل قبول برخوردار می‌کند، فرصت مشارکت برای مردم را در تصمیم‌گیریهای مؤثر بر زندگی فراهم می‌آورد و علاوه بر آنجا که هدف غائی از توسعه، ارتقاء کیفیت زیست انسان است بنابراین چنین هدفی در سایه تقسیم عادلانه فرصتها، استقرار عدالت اجتماعی در ابعاد مختلف، تأمین حقوق فردی و اجتماعی آحاد جامعه میسر می‌شود و حاصل و نتیجه این وضعیت، تأمین امنیت انسانی به عنوان بستری اصلی توسعه خواهد بود. مبارزه همه‌جانبه با فقر و محرومیت، تقابل با عوامل مخرب کفله محیط زیست از جمله مصرف بی‌رویه کالا و خدمات، ایجاد توازن بین رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی، فراهم‌ساختن شرایط لازم برای مشارکت همه جانبه مردم در امور اجتماعی و تحقق ابعاد مختلف تأمین اجتماعی همه و همه زمینه‌ساز امنیت انسانی معنوی است. (۱۳۳۱) رالف میلر، مدیر عامل سازمان ملل متحد

علی رقم بهبود شرایط مختلف زیست محیطی برای جمعیت متجاوز از ۶۰ میلیونی کشورمان در زمینه‌های امید به زندگی، مرگ و میر اطفال، دسترسی به آب سالم، نرخ باسوادی بزرگسالان، درآمد سرانه ناخالص داخلی، براساس گزارش برنامه توسعه سازمان ملل برای سال ۱۹۹۸ میلادی، ایران در بین ۱۷۴ کشور جهان در رتبه ۷۸ از شاخص توسعه انسانی قرار دارد (سازمان برنامه و بودجه - ۱۹۹۸ - ص ۳۲) و این امر به وضوح تلاش مضاعف دولت و مشارکت همه جانبه مردم را برای سالهای آینده می‌طلبد تا در ایران ۱۴۰۰ هجری شمسی به استانداردهای قابل قبولی از توسعه تایل شویم.

نتیجه‌گیری: جامعه اسلامی در مسیر توسعه و پیشرفت باید به مصادیق ماده ۱۷ اعلامیه اسلامی حقوق بشر به صراحت اهتمام می‌دارد که «هر انسانی حق دارد که در محیط پاک از مفاسد و بیماریهای اخلاقی زندگی کند و دولت موظف است این حق را برای او فراهم کند (عبادی، شیرین - ۱۳۷۳، ص ۲۴۴) و در همین راستا، قانونی اساسی جمهوری اسلامی، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی و مبارزه با مظاهر فساد و تباهی، رفع تبعیض و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، رفع فقر و محرومیت در بعد تغذیه، اشتغال، مسکن، بهداشت، و همچنین تأمین اجتماعی در ابعاد مختلف

19- Needs

20- Cinations

21- Goodin

در توسعه سراغ گرفت نه در اسلحه، به عبارت دیگر جز در بافت توسعه پایدار، دستیابی به امنیت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی امکان پذیر نیست. امنیت شغلی، امنیت از جهت درآمد، امنیت از بابت سلامت، امنیت زیست محیطی، ایمنی از جرایم و جنایات از نیازمندیهای جدی و اساسی جامعه جهانی تلقی می‌شوند که حاصل و نتیجه آن امنیت انسانی در سراسر جهان می‌باشد امنیتی که آزادی از هرگونه ترس و اضطراب از یکسو و آزادی از احتیاج و نیازمندی از سوی دیگر را به ارمغان می‌آورد و توسعه انسانی پایدار را محقق می‌سازد. توسعه‌ای که طرفدار مردم، طرفدار ایجاد اشتغال مولد، کاهش سطح فقر، یکپارچگی و تفاهم اجتماعی، تحدید حیات زیست محیطی و سازگار با طبیعت و در نهایت گسترش دهنده تواناییها، خلاقیتها و استعدادهای انسانی در ابعاد مختلف است.

است چنانچه در گزارشان سالیانه برنامه توسعه سازمان ملل نیز در طی سالهای ۱۹۹۲ میلادی تا سال ۲۰۰۰ بر این زمینه‌ها تاکید شده است. مهاجرت‌های گسترده و ایجاد شهرهای بزرگ، پدیدار شدن محلات اعیان نشین، ایجاد گروه‌های جدید اجتماعی ناشی از مهاجرت‌ها، پیدایش پدیده مرفهین بی درد و نو کیسه‌ها، تضعیف پایه‌های اعتقادی و موازین اخلاقی، پائین بودن سطح انضباط در خانه، محل کار، مدرسه و جامعه، تبلیغات گسترده رسانه‌های جمعی در جهت سوق مردم به مصرف گرایی بی‌رویه و اسراف و تبذیر، و فور مواد مخدر در جامعه و ... از عواملی هستند که امنیت انسانی و سلامت اجتماعی را بطور جدی تهدید می‌کنند. وجود سرمایه اجتماعی به عنوان یک سرمایه ملی ارزشمند که همانا تعامل، تفاهم و همدلی بین آحاد و اقشار مختلف مردم از یکسو و مردم و دولت (حکومت) از سوی دیگر است به

عنوان یکی از مهمترین تضمین کننده‌های سلامت اجتماعی و لازمه امنیت انسانی معرفی می‌شود و لذا به جرات

ارینگ فروم - به نام زندگی - ترجمه اکبر تبریزی - مروارید - تهران - ۱۳۶۷

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی - نشریه مددکاری اجتماعی - شماره هشت

رزاقی، ابراهیم - الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی - چاپ اول - چاپخش - تهران - ۱۳۷۴

می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی زمینه ساز سلامت اجتماعی و سلامت اجتماعی تامین کننده امنیت انسانی خواهد بود و در چنین شرایطی، توسعه انسانی پایدار محقق می‌شود که در سایه آن انسانها با آرامش و آسایش تن و روان زندگی کنند و از هرگونه تهدید و تخریب و تحقیر در امان باشند چنانچه در گزارش سال ۱۹۹۴ برنامه توسعه ملل متحد نیز این چنین بیان شده است، امنیت را می‌توان

- رهبر، محمدتقی - سیاست و مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)، سازمان تبلیغات اسلامی - تهران - ۱۳۶۳
- زاهدی اصل، محمد - مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام - دانشگاه علامه طباطبائی - ۱۳۷۱
- زاهدی اصل، محمد - مبانی مددکاری اجتماعی - دانشگاه علامه طباطبائی - ۱۳۷۷
- زاهدی اصل، محمد - مبانی رفاه اجتماعی - دانشگاه علامه طباطبائی 1380 -
- سازمان برنامه و بودجه - گزارش توسعه انسانی - ۱۹۹۴
- ترجمه قدرت اله معمارزاده
- سازمان برنامه و بودجه - گزارش توسعه انسانی - ۱۹۹۸
- ترجمه قدرت اله معمارزاده
- سازمان برنامه و بودجه - برنامه دوم توسعه / خط مشی‌های اساسی - (مهرماه ۱۳۷۱)
- سازمان برنامه و بودجه - سند برنامه سوم توسعه - پیوست شماره ۲ - ۱۳۷۸
- شایان مهر، علیرضا - دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی - مؤسسه کیهان - ۱۳۷۹
- شیخی، محمدتقی - مددکاری اجتماعی و جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی - انتشارات ققنوس - تهران ۱۳۷۳
- عبادی، شیرین - تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران - روشنگران - تهران - ۱۳۷۳
- عمید زنجانی، عباسعلی - انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن - طوبی - تهران ۱۳۷۳
- عمید زنجانی، عباسعلی - مبانی فقهی قانون اساسی - جهاد دانشگاهی - فاقد تاریخ
- ماکارو، دیوید - رفاه اجتماعی - ساختار و عملکرد - ترجمه محمدتقی جغتائی و همکار - دانشگاه علوم بهزیستی - ۱۳۷۸
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران - تفسیر نمونه - جلد ۱۱ - دارالکتب اسلامی قم - فاقد تاریخ
- واسعی زاده، سید مرتضی - موازین بین‌المللی کار - مؤسسه کار و تامین اجتماعی - ۱۳۷۷



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی